

فصل نامه علمی پژوهش نامه تاریخ اسلام
سال دهم، شماره سی و نهم، پاییز ۱۳۹۹
مقاله پژوهشی، صفحات ۱۰۷-۱۲۴

تأثیر وقف بر زندگی تهی‌دستان جامعه ایران دوره صفوی

هادی بیاتی^۱

عباس قدیمی قیداری^۲

چکیده

وقف از برترین و پردوام‌ترین مظاهر نیکوکاری به مردم و کمک به طبقات پایین جامعه از جمله تهی‌دستان است. بدون تردید از درخشان‌ترین کارهای نیک دوره صفوی توسعه وقف است. واقفان که بیشتر از طبقات قدرتمند و هیئت حاکمه جامعه بودند، اغلب به دنبال زدودن فقر از چهره جامعه و تعامل با طبقه تهی‌دست بوده‌اند. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی به دنبال پاسخ به این سؤال است که وقف چه تأثیری بر زندگی تهی‌دستان جامعه ایران دوره صفوی داشته است؟ واقفان در تعامل با تهی‌دستان جامعه ایرانی در دوره صفوی چه اهدافی را دنبال می‌کردند؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که وقف بر زندگی تهی‌دستان این دوره تأثیر مثبتی داشت. وقف از یک‌سو از تهی‌دستان حمایت می‌کرد و از دیگر سو به سبب نشان دادن تصویری موجه از واقفان، موجب تشویق مردم به انجام این سنت می‌شده‌است. واقفان در دوره صفوی اغلب برای به‌دست آوردن دعای خیر تهی‌دستان، کسب رضای خداوند، نشان دادن چهره موجه به‌عنوان پادشاهی مسلمان و خیرخواه، اموالی را برای کمک به تهی‌دستان وقف می‌کردند.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد دوره صفوی، صفویان، مذهب در دوره صفوی، وقف.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول). H.bayati@umz.ac.ir

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تبریز. ghadimi@tabrizu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۶/۱۶ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۹/۰۵

درآمد

اسلام برای اجرای عدالت اجتماعی و توزیع ثروت و براندازی فقر، قوانین مالیاتی چون خمس و زکات وضع کرده است. در عین حال اسلام، اغنیا را تشویق به خیرات و مبرات کرد تا به تهی‌دستان کمک و یاری شود. انفاق به تهی‌دستان و دستگیری از بینوایان و زیردستان از نشانه‌های ایمان صحیح به اسلام شناخته می‌شود و برای خیرین درجات بلند و روزی نیکو پیش‌بینی شده است. بنابراین می‌توان گفت کمک به فقرا و صدقه در اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (مصطفوی رجالی، ۱۷-۵۹).

وقف در تاریخ اقتصادی و در ساخت اقتصادی نهاد دین در ایران تأثیر بسیاری داشته است. هرگونه تحولی در نهاد وقف بر این دو بخش نیز تأثیرگذار بوده است. وقف در لغت به معنی ایستادن و پابندگی و در اصطلاح به معنای نگه داشتن اصل مال و رها کردن منافع برای مصرف در کارهایی عام‌المنفعه است. اصل این اصطلاح به حدیث پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «اصل مال را نگه دارید و منافع آن را جاری سازید»، برمی‌گردد. بر این اساس علمای شیعه، وقف را عقدی می‌دانند که ثمره آن حبس اصل مال و رها کردن منفعت برای اهداف معین است (نجفی، ۲/ ۲۸).

وقف مال برای اماکن مقدس و مذهبی و یا اماکن ارزشمند در تمام جوامع و ادیان وجود داشته است. این رسم در ایران نیز از دوران باستان رواج داشت و دین زردشت نیز توجه ویژه‌ای به آن می‌کرد؛ چنانکه اصطلاح «اشوداد» به معنای در راه دین بخشیدن، در دین زردشت سفارش می‌شده است (شهابی، ۲۱-۲۲؛ سلیمی‌فر، ۴۷). در دوره اسلامی نیز ابتدا دیوانی «دیوان البر و الصدقات» مسئول رسیدگی به امور اوقاف بود. به تدریج اداره اوقاف مستقل شد و دیوانی به نام «دیوان اوقاف» تأسیس شد. ظاهراً دیوان اوقاف نخستین بار در دولت فاطمی مصر و به نام «دیوان الاحباس» پدید آمد که به امور اوقاف خاصه (موقوفات سلاطین و پادشاهان) و عامه رسیدگی می‌کرد. حبس در این جا به معنی وقف است (نوایی و احمدی، ۲۳-۲۴). دیوان اوقاف در تمام دوره اسلامی وجود داشته است. به سبب وجود حساسیت بر چگونگی هزینه‌کرد عواید آن از سوی متولیان وقف به‌ویژه وقف اولادی که ترفندی برای حفظ اموال و درآمد خانواده

واقف محسوب می‌شد، حکومت مرکزی بر وقف نظارت می‌کرد.

صفویان نیز قبل از قدرت‌یابی، بخش عمده‌ای از اقتدار مالی و نفوذ سیاسی و اجتماعی خود را از طریق موقوفات خانقاه اردبیل به دست آورده بودند. از مهمترین موقوفات قبل از دوره صفوی می‌توان به موقوفات رشیدی، غازانی و علیشاهی در آذربایجان اشاره کرد (صفت‌گل، ۳۲۱). پس از روی کار آمدن، شاهان صفوی نیز موقوفاتی را بر خانقاه اردبیل و دیگر مراکز مذهبی وقف کردند. دوره صفوی یکی از دوره‌های شکوفایی وقف با رنگ و شکل شیعی در ایران است. اهمیت نهاد وقف در این دوره به دلیل کمک به فقرا و تهی‌دستان تا حدی بود که اکثر سفرنامه‌نویسان به آن پرداخته‌اند. بر اساس سیاست مذهبی و شیوه‌های کشورداری داخلی و سیاست خارجی، وقف در این دوره توسعه روزافزونی پیدا کرده بود. بر این اساس، پژوهش حاضر درصدد است تا با استفاده از منابع و اسناد تاریخی، نقش وقف را در فقرزدایی جامعه عصر صفوی مورد ارزیابی قرار دهد و به این سؤال اصلی پاسخ دهد که نهاد وقف چه تأثیری در وضعیت زندگی تهی‌دستان عصر صفوی داشت؟ و چرا متولیان اوقاف از تهی‌دستان حمایت می‌کردند؟

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های بسیاری درباره اوقاف دوره صفوی انجام شده است. «در باب اوقاف صفوی (مجموعه مقالات)»، از نزهت احمدی (۱۳۹۰ش)، «موقعیت اجتماعی واقفان در عصر صفویه به استناد وقف نامه‌ها» از مهناز رحیمی‌فر (۱۳۹۵ش)، «تاریخچه اوقاف اصفهان» از عبدالحسین سپنتا (۱۳۴۶ش) و «سیاست مذهبی صفویان و پیامد آن بر توسعه موقوفات حرم امام رضا (ع)» از زهرا طلائی (۱۳۹۷ش) نمونه‌ای از آن پژوهش‌هاست که در آنها وقف از منظر کارکردهای مذهبی، اجتماعی و آموزشی مورد بررسی قرار گرفته است. اما در هیچ یک از پژوهش‌ها به نقش و ابعاد وقف در زدودن فقر و رابطه آن با تهی‌دستان پرداخته نشده است. بنابراین پژوهشی مستقل در تمام ابعاد وقف و تأثیر آن در زندگی تهی‌دستان عصر صفوی ضروری می‌نماید.

چارچوب نظری پژوهش

وقف یک پدیده اجتماعی است که با محیط جغرافیایی و نظام ارزشی و هنجارهای فرهنگی یک جامعه در ارتباط است. وقف می‌تواند بر نظام اجتماعی و رفتارهای سیاسی و فرهنگی اثر گذاشته و به حل مسائل جامعه کمک کند و همچنین از نهادها و موسسات اجتماعی و کارگزاران فرهنگی متأثر شود. به همین جهت دست اندرکاران مسائل سیاسی و اجتماعی می‌توانند وقف را از نگرش و دیدگاه خود مورد بررسی و کنکاش قرار داده و به تعریف نظری عملیاتی، مطابق با هنجارهای اجتماعی بپردازند (ر.ک. سلیمی فر، ۶۷). از این رو بر اساس سه دیدگاه نظری و فکری رایج در جامعه شناسی می‌توان پدیده اجتماعی وقف را بررسی کرد:

۱- کارکردگرایی

بر اساس نظر جامعه‌شناسان کارکردگرا، وقایع زندگی اجتماعی تصادفی نیست زیرا جامعه و فرایندهای مربوط به آن دارای نظام و الگوست و رفتارهای اجتماعی نیز دارای الگوهای منظم و کارکردهای گوناگون هستند. این کارکردها ممکن است مثبت یا منفی باشد. بر اساس این نظریه در شرایط معمولی همه عناصر و نظام اجتماعی از قبیل مدارس، خانواده و دولت با هم سازگاری دارند و هر عنصری به حفظ ثبات کلی و همگانی کمک می‌کند. با این تعریف وقف دارای کارکردهای گوناگونی مانند عمران و آبادانی، ارضای روانی واقف، کمک به نیازمندان، اجرای مراسم عبادی و مذهبی است. وقف می‌تواند به زندگی اجتماعی معنا دهد و به نوعی در آن تعادل ایجاد کند. مذهب نیز دارای همین کارکردهاست و در نهایت می‌تواند به همبستگی اجتماعی کمک کند. بسیاری از اعمال مذهبی چون مالیات، خمس و زکات نیز کارکردهایی مشابه وقف دارند. در چنین اعمالی فرد قسمتی از مال و یا دارایی خود را صرف امور اجتماعی می‌کند با این تفاوت که وقف یک رفتار اختیاری و ارادی است که واقف می‌تواند نسبت به انجام آن اختیار کامل داشته اما خمس، زکات و مالیات حالت اجباری دارد.

۲- ساختارگرایان

این مکتب در سال‌های ۱۹۲۰ توسط انسان‌شناس انگلیسی به نام آلفرد رادکلیف براون^۱ مطرح شد. ساختارگرایان از ساخت جامعه سخن می‌گویند. ساخت به معنای مجموعه‌ای از اجزای به هم پیوسته و دارای ارتباط است. در بررسی وقف از دیدگاه ساختارگرایان، بایستی اجزای آن یعنی سازمان و اداره اوقاف را مورد مطالعه قرار داد. اوقاف سازمانی است که کارایی خود را با نیازهای اداری و انسانی وفق می‌دهد. این نگرش می‌تواند مسائل و مشکلات سازمان اوقاف و ارتباط آن با نهادها و سازمان‌های اجتماعی و چگونگی مدیریت اماکن وقفی برای حل مسائل موجود را مورد مطالعه و سنجش قرار دهد.

۳- ستیزه گرایان

دیدگاه ستیزه گرایی بر این باور است که جامعه از تنش، فرآیندهای اجتماعی، تضاد، رقابت و دگرگونی و نابرابری‌های اجتماعی تشکیل شده‌است. در این دیدگاه جوامع پیوسته در حال دگرگونی هستند و تضاد، خصمت دایمی آنهاست. ستیزه گرایان معتقدند جامعه از دو گروه ثروتمند و فقیر تشکیل شده‌است و پدیده وقف مانند خمس و زکات می‌تواند نابرابری‌های اجتماعی را به سمت تعادل، برابری و عدالت اقتصادی- اجتماعی سوق دهد. (ر.ک. مهتدین، ۵۸). این پژوهش نیز با همین دیدگاه نقش وقف را در چگونگی زدودن فقر و تهی‌دستی در ایران دوره صفوی مورد بررسی قرار می‌دهد.

سیاست‌های واقفان در تعامل با تهی‌دستان

وقف در دوره صفوی عملکردهای بسیاری داشت. در این دوره به سبب رواج وقف، افراد گوناگون با انگیزه‌های متنوع از کسب ثواب اخروی تا کسب مقبولیت اجتماعی و حتی رقابت و همچشمی به وقف پرداختند. در دوره صفوی مانند ادوار قبل بعد توجه به امور عام‌المنفعه و خدمات رفاهی به اطعام و کمک به تهی‌دستان نیز توجه شده‌است. با توجه به اینکه دولت‌ها در گذشته هیچ تعهد قانونی برای انجام دادن چنین

1. Alfred Radcliffe Brown.

اموری نداشتند، اهمیت چنین موقوفاتی آشکارتر می‌شود. در گذشته انجام چنین اموری به وجدان عمومی واگذار می‌شد. ایجاد دارالشفاء و کمک به تهیدستان در زمره امور خیر شاهان و دیگر دولتمردان به شمار می‌آمد. افزایش رفاه اجتماعی افراد کم درآمد و تهی‌دستان در سایه گسترش موقوفات، یکی از عملکردهای مثبت وقف در دوره مورد نظر است. وقف و کمک به تهی‌دستان هیچ‌گاه جنبه جنسیتی نداشت و زنان و مردان هر دو در حد توان و بضاعت مالی خود در آن شرکت می‌کردند. البته تعداد زنان واقف که به تهی‌دستان کمک کردند به نسبت مردان کمتر بود چرا که آنان نه در مصدر امور بودند و نه فعالیت اجتماعی و اقتصادی مستقلی داشتند.

۱- شاهان و رجال سیاسی

وقف برای عتبات عالیات و به ویژه مرقد امام رضا علیه السلام و دیگر امامزادگانی که در ایران واقع بودند در طول حکومت صفوی انجام می‌شده است. در این میان سهم مشهد امام رضا علیه السلام به ویژه پس از آن که امنیت نسبی آن منطقه فراهم شد، بیش از دیگر اماکن بود تا جایی که در دوره شاه عباس، مرقد امام رضا علیه السلام به کعبه فقرا معروف شد. شاه عباس به ساخت و توسعه هنرمندانه مرقد توجه کرد و برای نگهداری تأسیسات جانبی آن مانند سقاخانه، ضیافتخانه، شفاخانه یا دارالشفاء و اطعام فقرا مبالغ فراوانی وقف کرد (احمدی، در باب اوقاف صفوی، ۵۱).

مطالعه اسناد وقفی بازمانده از آستان قدس رضوی به نوعی خطوط اصلی سیاست مذهبی صفویان را بیان می‌کند. برای مثال می‌توان به موقوفه عتیق‌علی منشی اشاره کرد که اولین و بزرگترین موقوفه آستان قدس رضوی از عصر صفوی بوده است. عتیق‌علی، منشی شاه اسماعیل اول (خانی‌زاده، ۱۵۰-۱۹۷) و متولی آستان قدس رضوی بود (قمی، ۴۶). یکی از مهم‌ترین کارکرد اصلی سیاست واقفان در این مکان ایجاد امکانات رفاهی از جمله تأمین غذای زوار تهی‌دست و جذب بیشتر آنان بود. در وقف‌نامه عتیق‌علی به سال ۱۵۲۴/۹۳۱م، جذب زائران و تأمین رفاه آنان اصل اول است. او تأمین غذای فقرا و مساکین و همچنین تأمین نیاز غرباء و زائرانی را که به زیارت حرم می‌آمدند و

برمی‌گشتند، مدنظر قرار داده است. درمان بیماران تهی‌دست اصل دوم آن موقوفه است. بدیهی است که زائران حضرت نیازهای درمانی هم داشته باشند؛ پس عتیقی با وقف بخشی از درآمد موقوفه خود برای درمان بیماران تهی‌دست، به این نیاز مهم توجه کرده است. به این ترتیب زائری که رنج سفر را پذیرا می‌شد، در صورت نیاز در این مکان پذیرایی و بیماری جسمی او نیز درمان می‌شد. بنابراین موقوفه عتیقی اصول مهم سیاست مذهبی صفویان را در زمینه کمک به تهی‌دستان مجاور اماکن مذهبی به خوبی روشن می‌کند.

از دیگر وقف نامه‌های اوایل دوره صفویه، وقف نامه خواجه مظفر بن فخرالدین بتکچی در سال ۹۲۰ است که در آن، وقف بر مزارات معصومین و زائران آنها و وقف ثلث محصولات برای مصرف سادات و فقرای ساکن استرآباد در نظر گرفته شده‌بود (اکرمی، ۶۲). در وقف نامه دنگلان مورخ ۹۲۳ نیز خواجه حسن خان بن خواجه محمد شریف خان دنگلانی کل شش دانگ قریه دنگلان از بلوک سد رستاق استرآباد را با توابع و صحراها و اراضی و چشمه‌ها و نهرها و درختان وقف اولاد ذکور و سپس اناث خود و بعد آستانه مطهر رضویه کرده است. واقف با هدف کسب توشه آخرت خواسته است تا خودش و پس از او فرزندان و سپس متولی آستان مقدس امام رضا علیه السلام متولی وقف باشند تا درآمد موقوفه پس از کسر عشر حق تولیت و مالیات‌های دیوانی بین کسانی که وقفشان شده، نیازهای آستانه رضویه و اطعام فقرا به طوری مساوی هزینه شود (ستوده، ۲۶۸-۲۶۹).

رجال سیاسی دوره شاه عباس اول، مانند الله‌وردی خان سردار سپاه و حاکم فارس، مهدی‌قلی بیگ میرآخورباشی و گنج‌علی خان حاکم کرمان نیز موقوفات بزرگی ایجاد کردند. خود شاه نیز علاوه بر اقدامات عمرانی، در حرم رضوی و مشهد سه موقوفه تأسیس کرد. برای گسترش حرم رضوی، وقف بر روشنایی، فرش، شربت‌خانه، مطبخ و دارالشفای حرم و لایروبی نهر خیابان که آب حرم از آن تأمین می‌شد و تعمیرات ضروری حرم مدنظر واقفان قرار گرفت. در دوره شاه عباس نیز وقف بر زائران و مستحقان اولویت داشت. تأمین معاش کارکنان حرم با موقوفاتی برای خدام، فراش، حفاظ، وظیفه‌بگیران و بخش‌های آستان

قدس شامل دارالشفاء، شماعی‌خانه، مهمانسرا و شربت‌خانه پشتیبانی شد. در چهار وقف‌نامه از هفت وقف‌نامه دیگر در عصر شاه طهماسب اول، وقف بر زائران حضرت و تهی‌دستان اصل قرار گرفته است (طلایی، ۱۳۳۶).

با این همه دوره شکوفایی و رشد وقف در دوره شاه عباس اول بود. وی در سال بیست و یکم سلطنتش، تمام املاک و مستغلات خاصه خود، به ارزش بیش از یکصد هزار تومان شاهی عراق و حاصل درآمد آن نزدیک به هفت هزار تومان در سال را که در تملک شرعی داشت، وقف چهارده معصوم علیهم‌السلام کرد. وی حاصل املاک را به مبلغ حداقل محاسبه و به چهارده قسمت تقسیم کرد. چنانکه هر قسمت به ترتیب از قسمت بعد زیادتر باشد و به همین ترتیب بر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تا امام دوازدهم علیهم‌السلام وقف کرد. وی همچنین دستور داد تا چهارده مهر به نام هر یک از چهارده معصوم بسازند؛ چنانکه نشان خاتم هر یک عیناً موافق با نشان خاتم آن معصوم در زمان حیاتش باشد (قزوینی، ۱۶۹). شاه عباس اول همچنین خانان عالیه، قیصریه و چهار بازار دور میدان نقش جهان و حمامات اصفهان را نیز که همگی در زمان او ساخته شده بود، بر این موقوفات افزود و تولیت این موقوفات را تا زمان حیات خویش به خود و پس از آن به پادشاهان جانشین خود اختصاص داد. همچنین نیمی از حاصل اجاره موقوفات یعنی تمامی و جملگی کاروانسرای واقع در صدر میدان نقش جهان با قیصریه متصل به آن و کل بازار دور میدان مذکور و حمام شاهی، برای ارتزاق و معاش سادات تهی‌دست بنی حسین در شهر مدینه مشروط به حائز بودن شرایطی، اختصاص داده شد (شاملو، ۱/ ۱۸۹؛ سپنتا، ۶۶-۶۷). درآمد نیم دیگر موقوفات شامل خانه‌ها، مستغلات و املاک اصفهان و جاهای دیگر، برای پرداخت به سادات بنی فاطمه و نیز فقرا و مساکین شیعه قرار داده شد (حسینی استرآبادی، ۱۳۳۶). این وقف‌نامه در تاریخ ۱۰۱۳ توسط شیخ بهایی تحریر شده بود (صفت‌گل، ۳۲۳).

شاه عباس اول در ماه رمضان سال ۱۰۲۴ مالیات و خراج و اجاره مستغلات دیوانی آن ماه را نیز به شیعیان ایران بخشید و مقرر شد که از آن پس در ماه رمضان مردم از مطالبات دیوانی معاف باشند (ترکمان، ۶۳۱). این پادشاه ظاهراً عواید مالیات‌ها و

عوارض دیوانی را حلال نمی‌دانست زیرا همیشه پولی را که می‌خواست در راه خدا خرج کند یا به فقیران و مستمندان بدهد، از عواید اوقاف برمی‌داشت و می‌گفت که اگر اینگونه مخارج از محل عواید مالیات‌های دیوانی صورت گیرد، در پیشگاه خداوند مقبول نخواهد بود. پیتر و دلاواله جهانگرد ایتالیایی می‌نویسد: «... شاه عباسی تمام پولی را که می‌خواهد صدقه بدهد، یا در امور دینی بکار برد، از عیسویان جلفای اصفهان وام می‌گیرد، زیرا که پول سوداگران جلفا چون از تجارت و صنعت بدست می‌آید، از هر پولی حلالست...» (دلاواله، ۴ / ۳۹۰).

وقف نامه‌های دیگری نیز از این دوره موجود می‌باشد که اشاره به کمک رساندن به تهیدستان است. برای نمونه می‌توان از موقوفات مسجد قطبیه در اصفهان یاد کرد که در زمان شاه طهماسب توسط امیر قطب الدین علی باب الدشتی در سال ۹۵۰ ساخته شد، اشاره کرد. در وقف نامه این مسجد که بر روی یک کتیبه سنگی حک شده و تاکنون نیز در آن مسجد نصب است، اشاره به رقبات وقفی شده و آمده است که درآمدی از آن صرف اطعام تهیدستان شود. «چون توفیق الهی رفیق حال و کافل آمال اقل العباد قطب الدین باب الدشتی شده، خواست که از برای یوم العباد، ترتیب ذخیره مائده احسان نماید که از خان انعام او مستحقین بهره‌مند گردند. بنابراین مزیت رقبات معینه‌ای را وقف کرد که از حاصل و نمای آن حقوق یک نفر قاری داده شود که تمام ایام به تلاوت کلام ملک غلام اشتغال نماید از جهت واقف و تتمه به اطعام فقرا و مساکین مترددین در آن صرف نماید» (جعفریان، تاریخ ایران اسلامی، ۴ / ۱۱۸).

شاردن نیز در سفرنامه خود درباره کارکردهای وقف در کمک به تهی‌دستان نوشته است تنها موقوفات مسجد شاه اصفهان قریب شصت هزار «لیور» عایدی داشت که هزار «اکوی» آن سهم متولی بود (شاردن، ۷ / ۱۴۷). در جای دیگر اشاره می‌کند که از محل درآمد گرمابه و آسیاب و بازار الله‌وردی‌خان همه روزه صد تن رهگذر و فقیر در سر مقبره او اطعام می‌شدند (همان، ۸ / ۷۶).

یکی دیگر از مصارف موقوفات در راستای زدودن فقر و کمک به تهی‌دستان جامعه، ساخت دارالشفاء بود. به طوری که با بررسی موقوفات این دوره در مورد چگونگی

مداوای مریضان تهیدست، تهیه دارو، پرستاران و مانند اینها در وقف قید شده‌است. چنانچه نظریه ساخت دارالشفاء برای اولین بار به دست شاه عباس اول در اصفهان عملی شده‌است (اکرمی، ۷۱).

۲- زنان

زنان درباری صفوی نیز نقش مهمی در ارتباط با تهی‌دستان جامعه داشتند. آنان با وقف بخش زیادی از اموال خود در رفع فقر در جامعه تأثیر بسزائی داشتند. در طبقات/اعلام الشیعه، برآورد شده که نزدیک به یک ششم از وقف‌نامه‌های موجود در اداره کل اوقاف اصفهان متعلق به بانوان، از طبقات مختلف اجتماعی است که هر یک بنا بر توان مالی خویش یا موقوفه‌ای عظیم ساخته و مستغلات فراوانی بر آن وقف کرده‌اند، یا مختصر دارایی خود را بر دیگر موقوفه‌ها و یا برای ترویج دین و یا کارهای عام‌المنفعه و حتی بر اولاد خویش وقف کرده‌اند. از جمله زنان واقف این دوره گوهرشاه بیگم است.^۱ وقف‌نامه گوهرشاه بیگم دختر میرزا محمداسماعیل، موجود است. این خانم در سال ۱۰۷۱ املاک را پس از کسر حق التولیه و خرج مایحتاج و مخارج اصل موقوفه، بر «عقبه علیه و روضه مقدسه امیرمؤمنان و مولای متقیان» و همچنین بر «آستانه متبرکه شافع یوم محشر و نور دیده حیدر، مقتول به سیف جفا...» وقف کرده است تا نیمی از آن را صرف زایرین و مجاورین آستانه شاه ولایت و نیمه دیگر را صرف زایرین و فقرای مجاور کربلای معلی نمایند (احمدی، «وقف‌نامه‌های بانوان دوره صفویه»، ۱۰۱). دختر شاه طهماسب، شاهزاده پری خان خانم هم از زنان خیر این دوره است. او علوم گوناگون را می‌دانسته و مورد مشورت شاه قرار می‌گرفت و شاه طهماسب را در انجام کارهای خیر و رسیدگی به امور فقرا و تهی‌دستان همراهی می‌کرد (میرمحمد صادق، ۱۵).

در سال ۱۰۷۵ خانمی به نام «خیرالنساء» دختر میرزا محمدمهدی الحسینی،^۲ مقداری

۱. بنا بر نوشته وقف‌نامه این خانم همسر شیخ عامر النجفی الجزایری و مادر شیخ کلبعلی است و اطلاع دیگری از او در دست نیست.

۲. از دو نفر با نام محمدمهدی الحسینی در طبقات/اعلام الشیعه (ص ۵۹۸)، قرن یازدهم، یاد شده‌است. یکی از آنها ←

از املاک و دارایی خود را بر دختر خویش بدر جهان خانم وقف کرد. او تمام حاصل و منافع موقوفه را در زمان حیات خود به دخترش اختصاص داد، ولی پس از فوت خود، خواست که بدر جهان خانم «بعد از وضع اخراجات و عمارات و عوارضات اوقاف مذکوره، یک نصف یک سُبُع حاصل و منافع حصص مزبوره موقوفه را در لیالی جمعه به فقراء و صلحا دهد که تلاوت کلام ملک عَلَام کرده و ثواب آن را به روزگار واقفه مومی الیها عاید سازند و نصف یک سُبُع را در لیالی مزبوره در سایر وجوه برّاز تصرفات و خیرات و اطعام مساکین و غیر ذلک صرف نمایند» (همان، ۱۰۲). زینب بیگم، دختر امیر محمد اردستانی مشهور به شیخ الاسلام، نیز در سال ۱۱۰۳ املاک و مستغلاتی را وقف عام کرد تا درآمد آنها پس از کسر مایحتاج و مخارج موقوفه و نیز کسر حق التولیه به «ارباب استحقاق از قرار نفری مبلغ دو تومان» تقسیم شود (همانجا).

۳- خواجهگان

گروه دیگر از واقفان دوره صفوی، خواجه‌های حرم شاه بودند. آنها ثروت فراوانی در قالب املاک و مزارع داشتند. چون خواجه‌ها فرزندی نداشتند، به طور معمول بیشتر ثروت خود را در سفر مکه و عتبات عالیات خرج می‌کردند و آنچه باقی می‌ماند به صورت خاص وقف امور عام‌المنفعه از جمله کمک به تهی‌دستان می‌کردند. با توجه به اینکه خواجهگان در نیمه دوم حکومت صفوی نقش مهمی میان شاه و امرا ایفا می‌کردند، لذا دارای نفوذ و درآمدی فراوان شدند و حتی به مشاغل با درآمدهای بالا دست یافتند (نک. میرزا سمعی، ۱۸-۱۹؛ رحیم لو، ۱-۴).

حاجی حق‌نظر آقا یکی از خواجهگان دوره شاه سلطان حسین صفوی ثروت زیادی در قالب املاک و مزارع وقف انجام کارهای خیر کرد. یکی از وقف نامه‌های او برای مصرف خیرات و ایتم و تهی‌دستان بود: «و بعد ذالک آنچه بماند متولی به تجویز ناظر، به مستحقین سادات عظام و طلبه کرام و ایتم و سایر مستحقین از ذکور و اناث فرقه

نسخه‌ای از تهذیب را در سال ۱۰۶۲ نگاشته است و دیگری نسخه‌ای از شرح لمعه را در سال ۱۰۵۳ به رشته تحریر درآورده است. احتمال دارد که «خیرالنساء» دختر یکی از این دو باشد.



ناجیه امامیه اثنی عشریه و سایر خیرات و مبرات از تعمیر مساجد و قناطر و اموری که نفع عامی داشته باشد، صرف نمایند» (جعفریان، دین و سیاست در دوره صفوی، ۱۲/ ۸۹۵). آقاکمال از خواجه‌های دوره شاه سلطان حسین (حک. ۱۱۰۶-۱۱۳۵) نیز موقوفات بسیاری داشت. او از شخصیت‌های با نفوذ دربار و صاحب خزانه عامره (وزیر مالیه) دولت صفوی بود (میرزا سمعی، ۲۹). یکی از بناهای موقوفی او مدرسه آقاکمال است. بر اساس یکی از احکامی که شاه درباره موقوفات همین مدرسه آقاکمال صادر کرده، چنین به دست می‌آید که وی در سال ۱۱۰۷ منصب صاحب جمعی را عهده‌دار شده‌است. وی در یکی از وقفیات خود بر مدرسه‌ای که دایر کرده بود، علاوه بر مصرف وقف بر طلبه سکنه مدرسه مذکور، مقداری از درآمد موقوفات را نیز وقف تهی‌دستان عتبات عالیات کرده است: «... وقف است بر طلبه سکنه مدرسه مذکور و مصالح و متعلقات آن و بر سکنه و متوطنین نجف اشرف و کربلای معلی و بلاد کاظمین علیهما السلام و بر زوار عتبات عالیات از سادات عظام و طلبه کرام و صلحای ذوی الاحترام که از فرقه ناجیه اثنی عشریه و در آن اماکن مشرفه ساکن بوده و به جای دیگر نقل نکرده باشند و به صفت استحقاق و فقر موصوف باشند» (جعفریان، دین و سیاست در دوره صفوی، ۱۲/ ۹۲۳).

انگیزه‌های واقفان از کمک به تهی‌دستان

۱- زدودن فقر

یکی از کارکردهای مهم وقف، فقرزدایی از جامعه است. با گسترش فرهنگ وقف می‌توان میزان فقر و محرومیت را در جامعه کاهش داد. وقف یکی از راه‌های توزیع مجدد درآمد است و با توزیع مجدد درآمد، سرمایه‌های جامعه در اختیار همگان قرار می‌گیرد. با بهره‌مندی همگان از امکانات رفاهی و اقتصادی، زمینه‌های تکامل در ابعاد فرهنگی و اجتماعی فراهم می‌شود. طبق موازین دینی، به‌کمک وقف معمولاً ثروت‌ها بعد از چند سالی از خانواده‌ای به خانواده‌ای دیگر و از طبقه‌ای به طبقات دیگر انتقال می‌یابد؛ به این صورت که اولاً بخشی از ثروت ثروتمندان در قالب وقف از ملکیت خصوصی آنها خارج شده و به ملکیت عمومی می‌پیوندد و عده بیشتری از منافع آن

بهره‌مند می‌شوند. در نتیجه، فاصله طبقاتی کاهش می‌یابد و ثانیاً طبق مفاد وقف، اصل املاک موقوفه به واحدهای کوچک‌تر تجزیه نمی‌شود تا از منافع آنها کاسته شود؛ بلکه فقط از منافع آنها بهره‌برداری شده و نوعی تعدیل و تقسیم ثروت پیش می‌آید. نتیجه طبیعی این امر را می‌توان در سه فرآیند: تعدیل ثروت، توازن اجتماعی و همکاری در جامعه ذکر کرد. مطالعه اجمالی تاریخ وقف این حقیقت را روشن می‌کند که نخستین انگیزه واقفان برای انجام وقف نابودی فقر و محرومیت از جامعه اسلامی است.

سیاست فقرزدایی در دوره صفوی نیز دنبال شد و واقفان همواره بخشی از اموال خود را برای زدودن فقر و ایجاد برابری اقتصادی در جامعه انجام می‌دادند. به طوری که سفیر اسپانیا دن گارسیا فیگوئروا در سفر به ایران در مورد امامزاده‌ای می‌نویسد که از درآمد وقفی آن به رهگذران فقیر کمک می‌شد: «امامزاده دهکده‌ای است با تعداد کمی خانه که همه آنها در محوطه کاروانسرای که دیواری محکم داشت ساخته شده بودند. در این کاروانسرا مسجدی بزرگ و مجلل نیز وجود داشت که از محل درآمد آن طبق یک سنت قدیمی، رهگذران فقیر سه روز متوالی اطعام می‌شدند. ایرانیان و اعراب برای این مسجد یا مقبره احترام زیادی قائلند و به پاس احترام شخص مقدسی که در آن به خاک سپرده شده‌است هدایای بسیار و وجوه سرشار نذر آن می‌کنند و یتیمان نیز از آنجا صدقاتی دریافت می‌کنند» (فیگوئروا، ۱۹۳).

اولثاریوس از سفرنامه‌نویسان دوره صفوی نیز درباره اطعام فقرا از درآمد موقوفات خاندان شاهی در خانقاه شیخ صفی اردبیلی می‌نویسد: «از این مطبخ روزانه سه وعده و هر بار بیش از یکهزار نفر از خدمه مزار و فقرا اطعام می‌شوند، ابتدا ساعت شش صبح، سپس ساعت ده صبح و بعد از ظهرها ساعت سه، هزینه دو وعده اول از محل موقوفات شاه صفی (روزانه یکصد و پنجاه عباسی یا سه تومان برابر پنجاه تالر بایستی به مصرف و هزینه آشپزخانه برسد) ولی وعده سوم از طریق موقوفات سایر پادشاهان تأمین می‌شود». او در ادامه می‌نویسد: «مقدار خیرات به قدری است که یک نفر قادر به خوردن تمام آن نیست، از این رو معمولاً بخشی از غذا به کسانی که از آمدن به اینجا و دریافت غذا شرم دارند فروخته می‌شود» (اولثاریوس، ۱۳۱-۳۱۲).

پیترو دلاواله جهانگرد ایتالیایی که در سال ۱۰۲۷ با شاه عباس به اردبیل سفر کرده بود در مورد اطعام تهی‌دستان می‌نویسد: «... درست روبروی آشپزخانه محلی است که در آنجا همه روزه در راه خدا و از طریق خیرات به‌عهده کثیری از مستمندان و هر کس که بخواهد غذا می‌دهند. طعامی که داده می‌شود پلو و شمار فقیران و اشخاصی که اطعام می‌شوند بسیار است. زیرا گذشته از کسانی که در این محل غذا می‌خورند، برای جمع دیگری نیز روز و شب خوراک فرستاده می‌شود. هر روز و شب سی و پنج دیگ بزرگ پلو پخته می‌شود. پیش از شاه عباس به فقیران اردبیل فقط ناهار داده می‌شد، ولی این پادشاه دستور داد که شب‌ها نیز به ایشان شام بدهند» (دلاواله، ۲/ ۳۷۰-۳۷۱). ماندلسلو نیز در سفرنامه خود درباره آشپزخانه خانقاه شیخ صفی‌الدین اردبیلی می‌نویسد که به بیش از سه هزار تن در آنجا روزی سه بار، صبح، ظهر و عصر، با آش، پلو و گوشت غذا می‌دادند. خرج دو غذای صبح را که در حدود سه تومان بود، از عواید موقوفات آرامگاه می‌پرداختند و خرج غذای شب را شاه از موقوفات دیگری که خود تعیین کرده بود می‌داد. در ساعت تقسیم خوراک، فقیران را به بانک طبلی که می‌گفتند شیخ صدرالدین پسر شیخ صفی‌الدین از مدینه آورده است، خبر می‌کردند تا برای گرفتن طعام حاضر شوند (ماندلسلو، ۱/ ۴۳۶؛ فلسفی، ۳/ ۱۰۸).

۲- نجات از بیماری

یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های واقفان از کمک به تهی‌دستان در جامعه صفوی، وقف و نذر برای رهایی فرزند از بستر بیماری بود. چنانچه مطالعه وقف نامه مادر شاه سلیمان که به صراحت دلیل وقف خود را ذکر می‌کند، نمونه بارزی از این گونه موقوفات و نذورات است. به نظر می‌رسد این تنها وقف نامه‌ای است که انگیزه واقعی واقف را بی‌پرده بیان کرده است. این وقف و نذر که از سر نیاز به شفای فرزند نیت شده‌است، صرفاً به اماکن مقدسه تعلق دارد و پس از رسیدن نذر کننده به حاجت خویش تدوین و تنظیم شده‌است (احمدی، در باب اوقاف صفوی، ۲۲۳).

۳- تظاهر به کسب رضای خدا

دستگیری از تهی‌دستان و یتیمان و به ویژه اطعام آنان برای کسب رضا خداوند از مواردی است که بسیاری از خیران به مناسبت‌های مختلف بدان پرداخته‌اند. اطعام گاه در منازل شخصی واقفان یا در بناهای احداثی آنان مانند مدرسه و مسجد و گاه در اماکنی چون حرم امامان یا امامزادگان یا خانقاه‌ها صورت می‌گرفت. برخی از حرم‌ها مانند حرم امام رضا علیه السلام و خانقاه‌ها مانند خانقاه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، خود دارای مطبخ و سفره‌خانه برای اطعام تهی‌دستان بودند. از این روی واقفانی که میل به اطعام زائران چنین اماکنی داشتند، درآمد موقوفه خود را بر سفره‌خانه آن مکان وقف می‌کردند.

در میان اسناد آستان قدس در سال‌های ۹۳۱ تا ۱۱۲۵ شش مورد بر سفره‌خانه حرم وقف است که برخی شرایط خاصی برای وقف خود قائل شده‌اند. یکی از آنها اطعام تهیدستان و درمان بیماران توسط عتیق‌علی در سال ۹۳۱ بود که پیش‌تر به آن اشاره شد (ر.ک. خانی زاده، ۱۵۰-۱۵۱؛ طلایی، ۱۳۵-۱۳۶). همچنین شاه عباس و میرعلی‌الدین محمدکاشانی و آقاکافور و قمرالنسا خانم بخشی از موقوفات خود را صرف مطبخی برای اطعام تهی‌دستان کرده بودند (احمدی، «کارکرد موقوفات در گسترش مراسم مذهبی دوره صفوی»، ۱۹).

۴- ارائه تصویر خیرخواهانه برای پادشاه صفوی

یکی از دلایل وقف اموال و کمک به فقرا از سوی هر سه گروه واقفان (شاه و درباریان، دیوانسالاران و افراد عادی) ترس و وحشت از دست دادن پایگاه اجتماعی بود. وقف و کمک به تهی‌دستان می‌توانست جایگاه و منزلت آنان را به عنوان فرد مسلمان و یا حاکم اسلامی مشروعیت ببخشد. در رأس این سلسله مراتب شاه قرار داشت که از افکار عمومی وحشت داشت و سعی می‌کرد خود را به عنوان فردی موجه و متدین نشان دهد. با توجه به اینکه کمک به تهی‌دستان عملی شرعی و مورد پسند تلقی می‌شد، شاهان صفوی نیز قسمتی از اموال خود را برای کمک به تهی‌دستان و زودن فقر از جامعه وقف می‌کردند. چنانچه در زمان شاه طهماسب حدود ده هزار

تومان از سیورغات و درآمد موقوفات و نذورات شهرهای مقدس مانند مشهد، اردبیل و قم به تهی‌دستان آن مناطق اختصاص داده شده‌بود (قمی، ۱/ ۵۹۸).

نتیجه

یکی از کارکردهای مهم وقف، فقرزدایی از جامعه است. استفاده از درآمدهای وقف برای بهبود وضعیت فقرا و تهی‌دستان در دوره‌های مختلف تاریخی ایران به ویژه دوره صفوی همواره مورد توجه سلاطین، بزرگان و صاحب‌منصبان جامعه بوده‌است. بررسی اسناد و منابع تاریخ این دوره نشان می‌دهد که با قدرت‌گیری دولت صفوی موقوفات در سراسر ایران گسترش پیدا کرد و شاهان صفوی به موقوفات کشور توجه خاص داشتند. در این دوره از جمله کارکردهای مهم وقف زدودن فقر و محرومیت از جامعه و ارتقای سطح زندگی تهی‌دستان بود. از این‌رو بخشی از درآمد موقوفات به خدمت‌رسانی و تأمین مایحتاج قشر تهی‌دست جامعه اختصاص داشت. به نظر می‌رسد سیاست‌هایی مانند جلب حمایت مردم به ویژه طبقات تهی‌دست جامعه، کسب مشروعیت برای واقفان، تظاهر به کسب رضای خداوند، کسب ثواب و گرد آوردن توشه آخرت و در نهایت انتقال اوقاف به وارثان برای حفظ و نگهداری آنها از جمله دلایلی بود که شاهان و دولتمردان صفوی را بر آن داشته بود تا ضمن تسلط بر اوقاف، بخش چشمگیری از درآمد آن را به قشر تهی‌دست جامعه اختصاص دهند.

منابع

- احمدی، نزهت، در باب اوقاف صفوی (مجموعه مقالات)، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰.
- «کارکرد موقوفات در گسترش مراسم مذهبی دوره صفوی»، مجله پژوهش‌های تاریخی، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، ۱۹.
- «وقف نامه‌های بانوان دوره صفویه»، وقف میراث جاویدان، س ۵، ش ۴ و ۳، دوره ۹۱ و ۲۰، ۱۳۷۶.
- اکرمی، اصغر، بررسی اراضی وقفی در دوره صفویه، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۹.
- اولتاریوس، آدام، سفرنامه، ترجمه و حواشی احمد بهپور، تهران، ابتکار نو، ۱۳۸۵.
- ترکمان، اسکندر بیگ، تاریخ عالم آرای عباسی، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۷.
- جعفریان، رسول، تاریخ ایران اسلامی، ج ۴، تهران، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۷.
- «دین و سیاست در دوره صفوی، ج ۲، قم، نشر انصاریان، ۱۳۷۹.
- حسینی استرآبادی، سید حسن بن مرتضی، تاریخ سلطانی: از شیخ صفی تاشاه صفی، تهران، نشر علمی، ۱۳۶۶.
- خانی زاده، مهدی، «معرفی یک از موقوفات آستان قدس: موقوفات عتیقی»، پژوهشنامه مطالعات آرشیوی، ش ۱، ۱۳۹۱، ۱۵۱-۱۵۰.
- دلاواله، پیتر، سفرنامه، ترجمه شعال‌الدین شفا، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰.
- رحیمی فر، مهناز، و سعیداف عبدالقهار، «موقعیت اجتماعی واقفان در عصر صفویه به استناد وقف نامه‌ها»، فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س ۴، ش ۱۲، پاییز ۱۳۹۲.
- رحیم لو، یوسف، القاب و مواجب دوره سلاطین صفوی، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۲.
- سپینتا، عبدالحسین، تاریخچه اوقاف اصفهان، اصفهان، نشر اداره کل اوقاف منطقه اصفهان، ۱۳۴۶.

- ستوده، منوچهر، از آستارا تا آسترآباد، ج ۶، تهران، نشر انجمن آثار ملی، ۱۳۷۷.
- سلیمی فر، مصطفی، نگاهی به: وقف و آثار اقتصادی- اجتماعی آن، مشهد، نشر آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.
- شاردن، ژان، سفرنامه، ترجمه محمد عباسی، ج ۸، تهران، امیر کبیر، ۱۳۴۵.
- شاملو، ولی قلیخان، قصص الخاقانی، تهران، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱.
- شهابی، علی اکبر، تاریخچه وقف در اسلام، اداره کل اوقاف تهران، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۳.
- صفت گل، منصور، ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران، تهران، رسا، ۱۳۸۱.
- طلایی، زهرا، «سیاست مذهبی صفویان و پیامد آن بر توسعه موقوفات حرم امام رضا(ع)»، پژوهش‌های تاریخی، س ۵۴، ش ۱۰، ۱، بهار ۱۳۹۷، ۱۳۵-۱۳۶.
- فلسفی، نصرالله، زندگانی شاه عباس اول، ج ۲ و ۳، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۷.
- فیگوتروا، دن گارسیا دسیلوا، سفرنامه، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۳.
- قزوینی، محمدطاهر وحید، عباسنامه (شرح زندگانی ۲۲ ساله شاه عباس ثانی)، تصحیح و تحشیه ابراهیم دهگان، اراک، کتابفروشی داودی، ۱۳۲۹.
- قمی، قاضی احمد، خلاصه التواریخ، تصحیح دکتر احسان اشراقی، ج ۱، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۹.
- ماندلسلو، سفرنامه، ج ۱، پاریس، بی نا، ۱۶۷۹.
- مصطفوی رجالی، مینودخت، وقف در ایران، بی جا، بی نا، ۱۳۵۱.
- مهتدین، «وقف»، ماهنامه فرهنگی، سیاسی اجتماعی داخلی سازمان اوقاف و امور خیریه، تهران، دی ۱۳۸۶، ۵۸.
- میرزا سمعی، تذکره الملوک، به کوشش دبیر سیاقی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹.
- میر محمد صادق، سعید، سرگذشت شاه محمد خدابنده صفوی (تخلیص کتاب نقاوه الآثار)، تهران، نشر موسسه فرهنگی اهل قلم، ۱۳۸۴.
- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ترجمه و شرح اکبر نایب زاده، ج ۲، تهران، خرسندی، ۱۳۹۲.
- نوایی، عبدالحسین، زهت احمدی، ساختار نهاد وقف در عصر صفوی، فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء، س ۱۲، ش ۴۳، پاییز ۱۳۸۱.